



## نگاهی به فعالیت احزاب در آمریکا

مصطفی قاسمی<sup>۱</sup>

### چکیده

در تقسیم بندی نظام‌های سیاسی موجود در جهان، نظام سیاسی ایالات متحده آمریکا جزء نظام‌های دو حزبی جای می‌گیرد. در واقع دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات احزابی هستند که به تناوب قدرت را در این کشور در دست داشته‌اند. البته به غیر از دو حزب مذکور احزاب اقلیت بسیاری نیز وجود دارند که تا به حال نتوانسته‌اند قدرت سیاسی را در آمریکا به دست گیرند. لذا جامعه آمریکا تنها شاهد حضور قدرتمند دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات بوده است. در عین حال این دو حزب نیز در داخل خود دارای جناح‌های مختلفی هستند که برخی مواقع اختلافات درون حزبی را برمی‌انگیزد. این احزاب ظاهراً سیاست‌های داخلی و خارجی متفاوتی را نسبت به هم دنبال می‌کنند. اما واقعیت این است که حداقل در بعد سیاست خارجی هر دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات اصول ثابتی را ادامه داده‌اند. در مقاله حاضر، نظام حزبی در ایالات متحده آمریکا، پیشینه دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات، سیاست خارجی، عملکرد واقعی و جناح بندی‌های داخلی آنها، همچنین احزاب اقلیت موجود در آمریکا به طور کلی مورد بررسی قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** حزب، آراء اکثرال، حزب جمهوری‌خواه، حزب دموکرات، جناح کنگره، جناح ریاست جمهوری.



## مقدمه

احزاب که واسطه بین حکومت و مردم به شمار می‌آیند، جایگاه ویژه‌ای در ساختار سیاسی ایالات متحده داشته؛ بخش وسیعی از معادلات سیاسی- اجتماعی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهند. احزاب؛ در بیشتر انتخابات فدرال و ایالتی، با قدرت و توان بالایی شرکت کرده، بر نظام سیاسی تأثیر می‌گذارند. رؤسای جمهور و اعضای کنگره، مقامات بلند پایه حزبی هستند که مسؤولیت اجرایی و قانونگذاری را در دست گرفته و در طول فعالیت خود به اهداف استراتژی دولت شکل می‌دهند. در نتیجه، شناخت ماهیت و عملکرد احزاب، به ویژه دو حزب عمده کشور آمریکا بسیار اهمیت دارد و موجب شناخت عملکرد سیاسی و فعالیت‌های اجرایی دولت ایالات متحده آمریکا می‌شود.

در ایالات متحده آمریکا، احزاب بسیاری وجود دارد اما تنها دو حزب جمهوری خواه و دموکرات، قدرت سیاسی را در این کشور در دست داشته‌اند. به دلیل پشتیبانی افراد و گروه‌های پر نفوذ از نامزدهای دو حزب جمهوری خواه و دموکرات، احزاب دیگر نقش چندانی در سیاست‌های کلان جامعه آمریکا ندارند. لذا احزاب جمهوری خواه و دموکرات همواره به طور غالب در انتخابات کنگره بخصوص انتخابات ریاست جمهوری موفق به کسب قدرت شده‌اند و مجال حضور سایر احزاب را نداده‌اند. هدف این مقاله نیز بررسی احزاب موجود در آمریکا بخصوص دو حزب جمهوری خواه و دموکرات خواهد بود.

## بخش اول: نظام حزبی در ایالات متحده آمریکا

یک حزب در مفهوم عام، گردهمایی مردمی است که درباره برخی مسائل نظرات مشترک دارند و می‌خواهند برای دست یافتن به هدف‌های مشترک با هم کار کنند. ادموند برک، حزب سیاسی را چنین تعریف می‌کند: هیئتی از مردم که به خاطر پیشبرد منافع ملی با کوشش مشترک بر اساس برخی اصول سیاسی مورد توافق متحد شده‌اند (عالم، ۱۳۷۹، ۳۴۳). هدف اصلی احزاب سیاسی به دست آوردن قدرت سیاسی است و اهداف دیگر، مانند هدف های اقتصادی و مرام‌های مسلکی برای احزاب سیاسی در مرتبه کم اهمیت تری است (ابوالحمد، ۱۳۸۰، ۳۹۸).

علی رغم این که ایالات متحده نخستین کشوری است که در آن احزاب سیاسی توده‌ای شکل گرفت اما این نکته را باید گفت که انتخابات در این کشور عمدتاً حول کاراکتر یا شخصیت نامزدهای حزبی دور می‌زند تا حول پیوندهای حزبی. با توجه به این

واقعیات، بسیاری از دانشمندان علوم سیاسی آمریکا معتقدند که احزاب روز به روز در حال ضعیف شدن هستند بطوری که در آینده‌های نه چندان دور دیگر قادر به انجام رسالت‌ها، وظایف و کارکردهای سیاسی لازم خود برای حفظ، تداوم و اداره صحیح امور سیاسی و اجتماعی نخواهند بود و از این بابت نگراند (Roskin, etal, 1998, 214). بنیانگذاران قانون اساسی آمریکا با نهاد احزاب سیاسی مخالف بودند. جورج واشنگتن بر تاثیر زینبار روحیه حزبی بر کار حکومت‌های دموکراتیک اشاره کرد. دیگر رهبران آمریکا نیز احزاب سیاسی را به عنوان منبع عمده پریشانی و ضعف سیاسی، اجتماعی تقبیح کردند اما خیلی زود پس از شکل گیری قانون اساسی، احزاب سیاسی در ایالات متحده آمریکا پدیدار شدند. بنابر این نظام حزبی در آمریکا رشدی غیر رسمی داشت (عالم، ۱۳۷۹، ۳۴۶). صحنه سیاسی آمریکا از زمان تأسیس این کشور تا کنون به جز برهه‌های بسیار کوتاهی در زمان ریاست جمهوری جورج واشنگتن، همواره شاهد رقابت میان دو حزب بزرگ بوده است. در واقع بنای سیستم دو حزبی در زمانی نهاده شد که فدرالیست‌ها با مخالفان خود بر سر تصویب قانون اساسی آمریکا جدال داشتند. از دیگر عوامل ایجاد سیستم دو حزبی در آمریکا «انقلاب فرانسه» بود. این انقلاب موجب شد قطب‌های گوناگون افکار عمومی در آمریکا در رابطه با آن موضع گیری کنند. انقلاب فرانسه موجب تقسیم جامعه آمریکا به دو گروه بزرگ شد. گروه نخست، انقلاب فرانسه را مبارزه‌های میان هواداران سلطنت و هواداران جمهوری، میان اسارت و آزادی و میان حکومت مطلقه و دموکراسی تعبیر می‌کردند. این گروه مؤسس حزب جمهوری خواه - دموکرات شدند که بعدها به حزب دموکرات تغییر نام داد. گروه دوم انقلاب فرانسه را کشمکش میان آرامش و هرج و مرج، میان خدا شناس و مذهب، میان فقر و ثروتمند در نظر می‌گرفتند. این گروه به حزب فدرالیست‌ها پیوستند که از آن حزب جمهوری خواه امروزی پدید آمده است (آل مذکور، ۱۳۵۵، ۷۳).

بسیاری از ناظران سیاسی که از بیرون به جامعه ایالات متحده آمریکا نگاه می‌کنند، چنین تصور می‌کنند که در ایالات متحده تنها دو حزب جمهوری خواه و دموکرات بر شئون سیاسی کشور حکمفرمایی می‌کنند و چند حزب بسیار کوچکتر در حاشیه قرار دارند. لیکن این نوع نگاه نمی‌تواند تمام واقعیت‌های سیاسی موجود را نشان دهد. آمریکا از سویی دارای یک نظام پنجاه حزبی است و از سوی دیگر چهار حزب بر آن حکومت می‌کنند و از نظر دیگر تنها دو حزب قدرت را دست به دست میان خود می‌گردانند. نظام انتخاباتی در ایالات متحده آمریکا ارتباط تنگاتنگی با نظام حزبی دارد.

#### ۱- سیستم پنجاه حزبی





ایالات متحده آمریکا از ۵۰ ایالت تشکیل شده که هر ایالت در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود استقلال عمل وسیعی دارد. در حقیقت به استثناء مواردی نظیر سیاست خارجی، ارتش، ضرب و چاپ پول و تشکیل دادگاه‌های عالی، هر ایالت به منزله یک کشور مستقل عمل می‌کند و دارای نهادهای اجتماعی خاص خود می‌باشد. به همین دلیل احزاب سیاسی به طور اعم و جمهوری خواهان و دموکرات‌ها به طور اخص متشکل و جدا از یکدیگر هستند. به عبارت دیگر به تعداد ایالت‌ها، احزاب جمهوری خواه و دموکرات در ایالات متحده آمریکا وجود دارد که در برخی از مواقع با یکدیگر اختلاف نظر نیز دارند. به همین دلیل وجود کمیته‌های ملی برای هماهنگی میان احزاب جمهوری خواه ایالت‌ها و یا دموکرات‌های ایالت‌های مختلف ضرورت می‌یابد.

ساختار حزبی نیز به گونه‌های شکل گرفته که جمهوری خواهان و یا دموکرات‌های ایالت، حزب مستقل و جداگان‌های را تشکیل می‌دهند. این احزاب با دارا بودن ساختار کامل حزبی متناسب با شرایط خاص سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن ایالت عمل می‌نمایند. چه بسا دیدگاه اجتماعی، اقتصادی و یا حقوقی جمهوری خواهان تگزاس با جمهوری خواهان کالیفرنیا متفاوت باشد و به همین دلیل نیز دستیابی به یک وحدت نظر نهایی را در سطح فدرال دشوار می‌سازد (<http://fa.wikipedia.org/wiki>).

در جریان انتخابات محلی و ایالتی این اختلاف نظرات میان احزاب ایالتی به خوبی نمایان می‌شود چرا که در انتخابات فرمانداران و مجالس ایالتی، شعارهای انتخاباتی تحت تأثیر مسائل منطقه ای، جغرافیایی و نژادی قرار می‌گیرد. اما در سطوح بالاتر نظیر انتخابات ریاست جمهوری و یا کنگره فدرال، احزاب ایالتی بخش عمده‌ای از دیدگاه‌های فردی خود را به کنار گذاشته و بر سر کلیات توافق می‌نمایند. تشکیل کنوانسیون ملی جمهوری خواهان و دموکرات‌ها در تابستان سال انتخابات نیز بدین جهت صورت می‌گیرد تا در روند مبارزات انتخاباتی احزاب جمهوری خواه و یا دموکرات ۵۰ ایالت اجماع حاصل شود. در حقیقت تنها در خصوص انتخابات سرنوشت ساز و مهم ریاست جمهوری توافق یکدست حاصل می‌شود و احزاب چهره ملی و فرا ایالتی به خود می‌گیرند. از همین جا علت نام گذاری دو حزب عمده به «کمیته ملی دموکرات‌ها» و «کمیته ملی جمهوری خواهان» مشخص می‌شود. در حقیقت در ایالات متحده آمریکا در زمان انتخابات ریاست جمهوری، کمیته‌های ملی جمهوری خواهان و دموکرات‌ها فعال شده و رفتار یکدست حزبی از خود نشان می‌دهند. پس از پایان انتخابات ریاست جمهوری، وحدت در سطح ملی موضوعیت خود را از دست می‌دهد و یکبار دیگر ۵۰ حزب دموکرات و ۵۰

حزب جمهوری خواه در کنار دهها حزب کوچکتر که آنان نیز در برخی از ایالت ها، شعبات ایالتی دارند، فعالیت های سیاسی خود را از سر می گیرند (ابوالفتح، ۱۳۸۲، ۲۳۰).

## ۲- احزاب رئیس جمهور و کنگره

علاوه بر سیستم ۵۰ حزبی که بیانگر وجود احزاب ایالتی است، نوع دیگری از سیستم حزبی در ایالات متحده قابل شناسایی است. این تقسیم بندی جدید در سطح فدرال و میان قوه مجریه و قوه قانونگذاری تجلی می یابد. پس از پایان انتخابات ریاست جمهوری و یا کنگره، آرایش سیاسی احزاب در این دو نهاد مهم آغاز می شود. هر دو حزب جمهوری خواه و دموکرات در حقیقت دارای ۲ جناح داخلی هستند که از مجموع این ۲ حزب، یک سیستم ۴ حزبی به وجود می آید.

هم جمهوری خواهان و هم دموکرات ها دارای جناح ریاست جمهوری و جناح کنگره هستند که میزان گرایش و تمایل آنان را به سیاست های ریاست جمهوری و یا کنگره نشان می دهد. این وضعیت برای حزبی که کنترل کاخ سفید را در دست دارد، نمود بیشتری پیدا می کند. به عنوان مثال اگر جمهوری خواهان بر کاخ سفید تسلط داشته باشند، میان نمایندگان جمهوری خواه کنگره بر سر حمایت از رئیس جمهور اختلاف بروز می کند و نهایتاً موجب بروز دو جناح عمده در این حزب می گردد. به همین دلیل می توان گفت رقابت سیاسی میان چهار حزب صورت می گیرد: جمهوری خواهان ریاست جمهوری، جمهوری خواهان کنگره، دموکرات های ریاست جمهوری و دموکرات های کنگره.

جناح ریاست جمهوری کنگره همواره از منافع فدرال در مقابل منافع ایالتی و منطق های جانبداری می کند و در رأی گیری های داخل کنگره به طرح های رئیس جمهور رأی مثبت می دهد. این گروه عمدتاً آراء مناطق شهری و صنعتی را پشت سر خود دارد چراکه در شهرهای بزرگ، آراء کمتر از مناطق روستایی و شهرهای کوچک تحت تاثیر مسائل جغرافیایی، منطق های و نژادی قرار می گیرد. به همین دلیل نمایندگان با اطمینان بیشتری در قبال جلب مجدد آراء به نفع رئیس جمهور و بعضاً در تضاد با مناطق منطق های عمل می کنند. در مقابل، رئیس جمهور نیز به دلیل نیاز به آراء اکثرال بیشتر برای انتخابات ریاست جمهوری توجه بیشتری به شهرهای بزرگ و مراکز پر جمعیت دارد؛ چرا که این بخش از کشور در مقایسه با مناطق روستایی کم جمعیت از تاثیر بیشتری در روند پیروزی رئیس جمهور و یا حزب وی در انتخابات ریاست جمهوری برخوردار است (<http://fa.wikipedia.org/wiki>).

جناح کنگره بر خلاف جناح ریاست جمهوری مسائل محلی و منطق های را مورد توجه



قراری دهد و از منافع کشاورزان، روستائیان و مالیات دهندگان مناطق کم جمعیت و شهرهای کوچک طرفداری می‌کند. این دسته از نمایندگان، خواهان توجه بیشتر دولت به مسائل داخلی و منطق‌های هستند و از این جهت تعارضاتی میان خواسته نمایندگان و رئیس‌جمهور بروز می‌کند.

در جریان مذاکرات و رای‌گیری در کنگره، بارها جناح کنگره‌ی یک حزب، خلاف نظر جناح ریاست‌جمهوری و یا بالعکس تصمیم‌گیری کرده‌اند و حتی چه بسا جناح کنگره با حزب رقیب متحد شده و برنامه‌های رئیس‌جمهور را متوقف ساخته است. انضباط ضعیف داخل احزاب آمریکا به تقویت چنین ائتلاف‌های غیرمنتظره کمک کرده است. در حقیقت در احزاب آمریکا آن گونه که در اروپا دیده می‌شود، انضباط حزبی دیده نمی‌شود و یک نماینده می‌تواند خلاف نظر رسمی حزب تصمیم بگیرد. آراء دو سوم نمایندگان کنگره برای ابطال وتوهای رئیس‌جمهور همواره زمانی اتفاق می‌افتد که بخشی از نمایندگان عضو حزب رئیس‌جمهور، بر خلاف نظر وی عمل می‌کنند و به مواضع حزب رقیب رأی می‌دهند.

نکته دیگری که در رقابت میان دو جناح داخلی یک حزب قابل مشاهده است، اینکه عمدتاً بر سرمعرفی نامزد حزب در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری نیز میان جناح کنگره و جناح رئیس‌جمهوری اختلاف نظر بروز می‌کند. تجربه تاریخی نیز نشان داده است که در اکثر مواقع، جناح رئیس‌جمهور موفق شده تا نامزد خود را که یک معاون رئیس‌جمهور و یا فرماندار بوده است، به عنوان نامزد نهایی حزب مطرح نماید. در حالی که نمایندگان کنگره از شانس کمتری برای معرفی شدن به عنوان نامزد ریاست‌جمهوری برخوردار هستند. در سال‌های گذشته تنها جان اف کندی و ریچارد نیکسون توانستند با پشتوانه فعالیت‌های سیاسی، به عنوان سناتور بر رقبای خود در احزاب دموکرات و جمهوری‌خواه فائق آمده و از ساختمان کنگره به کاخ سفید نقل مکان نمایند (<http://fa.wikipedia.org/wiki>).

### ۳- حکومت دو حزبی

در صحنه سیاسی امروز ایالات متحده آمریکا، دو حزب قدرتمند و گسترده دموکرات و جمهوری‌خواه حضور دارند که به شکل متناوب و دوره‌های قدرت را به ویژه در قوه مجریه به دست می‌گیرند. این دو حزب هر یک دارای ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خاص خود هستند که توانسته‌اند نظر مثبت بخشی از مردم آمریکا را به خود جلب کنند. انتخابات ریاست‌جمهوری سبب شده است تا جامعه آمریکا علی‌رغم میل به

تکثرگرایی و مرکزگریزی، قطبی شده و تمام گروه‌های اجتماعی حول دو محور مشخص حلقه بزنند. این پدیده باعث شده تا هیچ حزب سومی نتواند در بازی قدرت داخل شده و در نهایت رئیس جمهوری را به کاخ سفید بفرستد. در این شرایط واضح است که هیچ گاه نامزدی که منفرد یا نامزد احزابی دیگر به غیر از دو حزب حاکم است، نمی‌تواند از شانس برای رئیس جمهور شدن برخوردار گردد، حتی اگر بتواند آرای مردمی قابل ملاحظه‌های را گرد آورد. عدم موفقیت نامزدهای منفرد و احزاب ثالث در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، ناشی از وضعیت تاریخی انحصار آمیز دو حزب حاکم و قوانین داخلی ایالت‌های ۵۰ گانه بوده که مانع عمده‌های بر سر راه نامزدهای انتخاباتی غیر از دو حزب جمهوری خواه و دموکرات می‌باشد (طباطبائی، ۱۳۸۳، ۶۷).

این امر ریشه در زندگی سیاسی مردم این کشور نیز دارد. از نخستین روزهای تأسیس ایالات متحده آمریکا، افراد و گروه‌های مختلف ایالات سیزده گانه، در انتخابات ریاست جمهوری دو حزب قدرتمند تشکیل دادند و برای هر یک حامیان مالی ثروتمندی پیدا کردند. در طول دو قرن بعدی نیز، دو رقیب به توسعه و گسترش نفوذ خود و به چنگ آوردن ابزارهای قدرت پرداختند و به تحکیم سیستم دو حزبی مشغول شدند. اکنون موقعیت هر یک از دو حزب جمهوری خواه و دموکرات به گونه‌ای است که نه تنها از تسلط مطلق یکی بر دیگری جلوگیری به عمل می‌آورند، بلکه حتی اجازه نمی‌دهند حزب سومی وارد منازعات سیاسی کشور شود. ناکامی چشمگیر احزاب سوم در ۱۵۰ سال اخیر حکایت از آن دارد که رقابت خشن انتخابات ریاست جمهوری صرفاً در انحصار دو حزب قرار دارد و همین امر نیز سبب می‌شود که جناح‌های داخلی دو حزب در راه کسب قدرت و راهیابی به کاخ سفید اختلافات درونی را کنار گذاشته و به وحدت نظر دست یابند.

اما بر خلاف انتخابات ریاست جمهوری، در جریان انتخابات کنگره به ویژه اگر انتخابات میان دوره‌های صرفاً برای انتخاب نمایندگان مجلس نمایندگان و سنا صورت گیرد، رقابت‌ها از سیستم دو حزبی خارج می‌شود. در این هنگام عمدتاً بلوک‌های رای دهنده به جای احزاب، ایفای نقش می‌کنند و در بسیاری از ایالت‌ها نظام تک حزبی جایگزین نظام دو حزبی و یا چند حزبی می‌شود. این امر اغلب در ایالت‌های جنوبی که حزب دموکرات، حاکمیت تقریباً مطلقاً دارد، بروز می‌کند چراکه جمهوری خواهان قدرت رقابت با دموکرات‌ها را ندارند (ابوالفتح، ۱۳۸۲، ۲۳۴).

تنها مرحله‌های که به استثناء دوران مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری، رفتار دو حزبی بروز می‌کند، انتخاب سخنگوی مجلس نمایندگان و رؤسای کمیته‌های مجلس





کنگره است که یک بار دیگر فضای سیاسی را قطبی می‌کند. در ادامه به معرفی دو حزب عمده آمریکا یعنی حزب دموکرت و جمهوری خواه می‌پردازیم.

### بخش دوم: معرفی احزاب آمریکا

#### ۱- حزب دموکرات ایالات متحده آمریکا

حزب دموکرات ایالات متحده آمریکا یکی از دو حزب بزرگ این کشور است که به همراه حزب جمهوری خواه ایالات متحده آمریکا حکومت را در این کشور در دست دارد.

#### الف- تاریخچه ی حزب دموکرات

حزب دموکرات، یکی از دو حزب نیرومند ایالات متحده آمریکاست. پیشینه ی این حزب ریشه در حزب «جمهوری خواه- دموکرات» در اواخر قرن هیجدهم دارد. حزب جمهوری خواه - دموکرات به عنوان مخالف «حزب فدرالیست» در سال ۱۷۹۳ میلادی توسط «توماس جفرسون» و «جیمز مدیسون» تأسیس شد که مرکب از ایدئالیست ها، رادیکال ها و ناراضیان بود. نام اصلی حزب، از آن رو جمهوری خواه دموکرات نهاده شد تا خصلت حزب را در برابر تمایلات سلطنت طلبان های که در میان فدرالیست ها وجود داشت نشان دهد (بارکر، ۱۳۴۶، ۴۲). هواداران حزب خود را «جمهوری خواه» می نامیدند تا حمایت و پشتیبانی خود را از انقلاب فرانسه اعلام دارند. پسوند دموکرات نیز به عنوان نماد مردمی بودن و دموکراسی به نام حزب افزوده شده بود. این حزب خواستار محدودیت قدرت حکومت فدرال به منظور حفظ آزادی های فردی بود. با به قدرت رسیدن «آندرو جکسون» در سال ۱۸۲۸. م، پسوند جمهوری خواه از نام حزب حذف و با نام رسمی «حزب دموکرات» در صحنه سیاسی آمریکا به فعالیت ادامه داد. هواداران این حزب بیشتر از میان کشاورزان خرده پا، خرده مالکین و طبقه متوسط شهری بودند که به خاطر آرمان «دموکراسی مشارکتی» جفرسون، جذب این حزب شده بودند.

در سال ۱۸۲۸، همزمان با به قدرت رسیدن جکسون و تغییر نام حزب به دموکرات، روح تازه ای به حزب دمیده شد و پایگاه حزب در میان طبقات و اقشار مختلف گسترش یافت. به دلیل اینکه جکسون در جنوب و در یک خانواده فقیر روستایی متولد شده بود به شدت مدافع آزادی های فردی بود و صدای بازتاب خواسته های فقرا در دولت تلقی می شد. از همان زمان حزب دموکرات به تدریج در ایالت های جنوبی و جنوب غربی نفوذ پیدا کرد و پایگاه اجتماعی وسیعی در میان اهالی جنوب یافت و منافع آن به تدریج با منافع



مالکین کشتزارهای پنبه و برده داری گره خورد. در جنگ داخلی آمریکا در طی سال‌های ۱۸۶۵-۱۸۶۱ هواداران حزب دموکرات از هواداران حزب جمهوری‌خواه که حزب ایالت‌های صنعتی-بازرگانی سواحل شمال شرقی بود، شکست خوردند. در جنوب برده داری جای خود را به کشت سهم بندی شده داد اما نوعی جامعه کشاورزی محافظه کار به سلطه خود ادامه داد و این گروه کوشش‌های سرسختان‌های برای دور نگه داشتن جمعیت عظیم سیاهپوست این ایالت‌ها از مشارکت در امور سیاسی به عمل آورد. ایالت‌های جنوبی دژ مستحکمی برای حزب دموکرات شد و سناتورهای و نمایندگان محافظه کار و غیر لیبرال برگزید. در ایالت‌های ساحل شمال شرقی بزرگترین تغییرات اقتصادی و اجتماعی بین سال‌های ۱۹۲۰-۱۸۶۵ حاصل شد و این امر به مدد ورود نزدیک به سی میلیون مهاجر به کشور، همزمان با رشد شتاب آلود صنعت و شهرنشینی به وقوع پیوست (خداوردی، ۱۳۸۳، ۲۷).

حزب دموکرات این گروه‌های تازه وارد شامل ایرلندیها، لهستانی‌ها، ایتالیایی‌ها، کاتولیک‌ها و یهودیان را به خود جلب کرد و به این ترتیب موفق شد پایگاه نیرومند تازه‌ای در «شمال» برقرار کند. این امر با انتخاب فرانکلین روزولت در سال‌های «رکود بزرگ» دهه ۱۹۳۰ تقویت شد. در این دوران حزب دموکرات با پیشبرد طرح اصلاحی و مداخله‌گرانه خود، به نام «برنامه نوین» به ترمیم اقتصاد کشور و کم کردن مصائب و درماندگی‌های گروه‌های از هستی افتاده و کم در آمد پرداخت.

اجرای این برنامه چنان پشتیبانی گسترده و متنوعی برای حزب به ارمغان آورد که دموکراتها به حزب سیاسی برتر در کنگره مبدل شدند و در طول سی و شش سال (۱۹۶۸-۱۹۳۳) بیست و هشت سال مقام ریاست جمهوری آمریکا را به خود اختصاص دادند. در این دوره، لیبرالیسم به اندیشه سیاسی مسلط در آمریکا تبدیل شد و دموکراتها به چنان مهارت و خبرگی دست یافتند که توانستند ائتلاف‌های بزرگی میان گروه‌های کارگری و قومی و نژادی پدید آورند و رهبران اتحادیه‌های کارگری را ترغیب کنند تا به نفع آنها رأی دهند.

حزب دموکرات هیچ گاه واحدی همگن و یکپارچه نبوده است. همواره اختلاف نظرهای بزرگ بر اساس مسائل منطق‌های و ایدئولوژیکی در آن به چشم می‌خورد. اساسی‌ترین این اختلافات میان محافظه کاران جنوب و لیبرال‌های شمال شرقی بروز کرده است. شکاف میان این جناحها در دهه ۱۹۶۰ که دموکرات‌های شمالی رهبری حکومت فدرال را به دست داشتند و برای انجام اصلاحاتی در مورد حقوق فردی فشار می



آوردند چشم‌گیرتر شد. آنها خواهان عدم جدایی سیاهان از سفید پوستان و دادن فرصت‌های برابر و حق رأی به سیاهپوستان بودند. این امر در طول دوره ریاست جمهوری کندی و جانسون مایه اختلاف شدیدی میان دموکرات‌های شمالی و دموکرات‌های سنتی و نژاد پرست ایالات جنوب شد (خداوردی، ۱۳۸۳، ۲۸).

سفید پوستان ایالت‌های جنوبی از پشتیبانی نامزدهای حزب دموکرات دست کشیدند و بسیاری از اعضای آن در کنگره در مورد مسائل اجتماعی علیه رئیس جمهور رأی دادند. این امر سبب شد تا شاخه جنوبی حزب دموکرات «جناح کنگره» و شاخه شمالی آن «جناح ریاست جمهوری» نام بگیرد. در سال‌های آخر دهه ۱۹۶۰، همزمان با سرخوردگی فزاینده لیبرال‌های شمالی از مداخله نظامی آمریکا در ویتنام، اختلاف جناح‌های گوناگون حزب دموکرات چنان شدت گرفت که اتفاق آراء در مورد سیاست خارجی نیز از هم پاشید. در نتیجه کوشش در جهت دموکراتیک کردن ساختار سازمانی حزب و گسترش پایگاه مردمی آن لازم شناخته شد. پس از نزول حزب تا اواسط دهه هفتاد، با پیروزی در انتخابات ۱۹۷۶، حزب دموکرات تلاش نمود تا ضمن بازسازی ساختاری، پایگاه‌های خود را نیز مستحکم نماید. اما بحران گروگان‌گیری در ایران و ضعف شدید کارتر در مدیریت بحران موجب گردید تا حزب دموکرات همانند یک دهه پیش از آن، شکست را پذیرفته و به مدت ۱۲ سال، مقام ریاست جمهوری را به جمهوری خواهان واگذار کند (داربی‌شر، ۱۳۶۹، ۵).

با پیروزی بیل کلینتون در انتخابات سال ۱۹۹۲ و اقدامات موفقیت آمیز در زمینه مسائل اقتصادی و رفاهی که با اندکی تسامح می‌توان با «برنامه نوین» روزولت مقایسه کرد، و آن را دهه ی حزب دموکرات نامید. در عین حال در آغاز هزاره سوم و انتخابات سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴ میدان را به نفع رقیب خود یعنی حزب جمهوری خواه خالی کردند. حزب دموکرات از چند جناح بزرگ تشکیل شده است و این جدای از گروه‌های کوچکی است که هنگام بروز مسائل مختلف، سر بر می‌آورند.

### **ب- جناح بندی داخلی**

#### **۱- جناح سوسیال دموکراتیک چپ**

این جناح، منتهی الیه سمت چپ حزب دموکرات را تشکیل می‌دهد. الگوی سیاسی رهبران این جناح، احزاب سوسیالیست اروپایی است. سوسیال دموکراتیک چپ حزب دموکرات خواهان ایفای نقش بهتر برای دولت، افزایش مالیات‌ها و تاکید بیشتر بر برنامه های اجتماعی و رفاهی است. ایالت‌های شمال شرقی و شمال غربی، به ویژه ایالت واشنگتن پایگاه اصلی جناح چپ حزب دموکرات محسوب می‌شود. باربارا لی نماینده



مجلس و دنیس کوسینیچ، رقیب جان کری در انتخابات درون حزبی سال ۲۰۰۴ حزب دموکرات، از جمله شاخص‌ترین چهره‌های جناح سوسیال دموکراتیک چپ حزب دموکرات به شمار می‌آیند. انجمن حزبی کنگره، پیشرو و محفل اصلی این جناح است.

## ۲- لیبرال‌های سنتی

در یک گام به سوی راست، جناح لیبرال‌های سنتی بعد از جناح سوسیال دموکراتیک چپ قرار می‌گیرد. این جناح خود را پیرو اندیشه‌های «جامعه بزرگ» لیندون جانسون می‌داند. برخلاف سوسیال دموکرات‌ها، لیبرال‌های سنتی بر اقتصاد آزاد و محدود شدن نسبی قدرت دولت تاکید می‌کنند، اما در عین حال خواهان گسترش بیمه‌های اجتماعی و تقویت خدمات درمانی هستند. از نظر این جناح، دولت موظف است برای تامین نیازهای اقشار فقیر و کم درآمد، مالیات‌ها را افزایش دهد. بدنه اصلی حزب دموکرات‌ها را جناح لیبرال‌های سنتی تشکیل می‌دهد. سناتور هیلاری کلینتون، نانسی پلوسی رئیس مجلس نمایندگان و جان کری نامزد دموکرات‌ها در انتخابات سال ۲۰۰۴، جناح لیبرال‌های سنتی را نمایندگی می‌کنند. این جناح دوران حکومت ۸ ساله بیل کلینتون را عصر طلایی لقب داده است.

## ۳- لیبرال‌های میانه و راست میانه

این دو جناح به طور مشترک در میان دو جناح چپ (سوسیال دموکراتیک چپ و لیبرال‌های سنتی) و راست (محافظه‌کاران سبک جمهوری‌خواهی) قرار می‌گیرند. میانه‌روهای حزب دموکرات نه به اندازه چپ‌ها منتقد نظام سرمایه داری هستند و نه به اندازه راست‌ها از اقتصاد آزاد و عدم دخالت دولت در اقتصاد حمایت می‌کنند. از نظر میانه‌روها باید میان عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی توازن برقرار شود. به همین دلیل برخی از اعضای این جناح در کنگره به کاهش مالیات‌ها رای می‌دهند و لیبرالیسم اجتماعی نظیر همجنس‌گرایی و سقط جنین را مغایر اصول اخلاقی و مذهبی ارزیابی می‌کنند. سناتور ژوزف لیبرمن نامزد پست معاونت ریاست جمهوری در انتخابات سال ۲۰۰۰ از حزب دموکرات عمده‌ترین چهره راست میانه است. هوارد دین فرماندار سابق ایالت ورمونت، در جرگه هواداران جناح لیبرال‌های میانه قرار دارد. پایگاه سنتی جناح راست میانه، ایالت‌های جنوبی سواحل شرقی آمریکا و ایالت‌های جنوبی دریاچه‌های بزرگ است.

## ۴- راست محافظه کار



راست محافظه کار نزدیکترین جناح حزب دموکرات به حزب جمهوری خواه را تشکیل می دهند. این جناح با حفظ اصول کلی ایدئولوژی چپ، خواهان کاهش نقش دولت، کاهش مالیات ها، تقویت بنگاه های خصوصی و رونق بازارهای تجارت آزاد در خارج از آمریکا هستند. این جناح در حقیقت بقایای حزب دموکرات در پیش از جنگ های داخلی آمریکا را نمایندگی می کند. از این رو برخلاف روح کلی حزب دموکرات که از جامعه چند نژادی حمایت می کند، محافظه کاران حزب دموکرات به شدت نژادپرست هستند. آنان همچنین با لیبرال های شمال شرقی بر سر همجنس بازی، سقط جنین و کنترل اسلحه اختلاف نظر جدی دارند. روحیه ناسیونالیستی و مذهبی از دیگر ویژگی های جناح راست محافظه کار حزب دموکرات به شمار می آید. از این رو جناح چپ و میانه حزب، راست گرایان را محافظه کاران سبک جمهوری خواهان لقب داده اند (<http://fa.wikipedia.org/wiki>).

## ۲- حزب جمهوری خواه

### الف- تاریخچه حزب جمهوری خواه

این حزب در اصل حزب ایالت های صنعتی و ثروتمند شمال و پیروز در جنگ داخلی بود. آنان پشتیبانی مناطق روستایی و شهرهای کوچک غرب میانه که شامل نخستین جوامع پروتستان آن منطقه می شد و نیز پشتیبانی ایالت های کرانه اقیانوس آرام را کسب کردند و در مجموع حزب ائتلافی نیرومندی بنا نهادند. حزب جمهوری خواه از زمان تأسیس در سال ۱۸۵۴ تا اوایل دهه ۱۹۳۰ حزب برتر آمریکا به شمار می رفت. به گونه های که در طول هفتاد سال (پس از ۱۸۶۰) از میان پانزده رئیس جمهور، سیزده نفر آن به حزب جمهوری خواه تعلق داشته اند. طی دو دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ م حزب جمهوری خواه در سراسر آمریکا در اقلیت قرار گرفت اما با رهبری آیزنهاور، این حزب، اصلاحات اجتماعی و اقتصادی را پذیرفت و موفق شد برای دو دوره پی در پی پست ریاست جمهوری را به خود اختصاص دهد. در دهه ۱۹۶۰ دهه عقب نشینی حزب جمهوری خواه در برابر دموکراتها بود. اما دهه ۷۰ و ۸۰ را باید دهه های جمهوری خواهان نامید، به ویژه اینکه نیکسون و ریگان به عنوان دو رئیس جمهور از حزب جمهوری خواه موفقیت های چشم گیری در سیاست خارجی برای ایالات متحده آمریکا کسب کردند (خداوردی، ۱۳۸۳، ۳۱).

در این حزب نیز مانند حزب دموکرات، جناح های متنوعی حضور دارند. بزرگترین شکاف در این حزب، میان جوامع شهر نشین پیشرفته، دانش آموخته، ثروتمند و صنعتی

ساکن در ایالت‌های شمال شرقی، شهرهای در حال گسترش مناطق داخلی و کرانه اقیانوس آرام که جمهوری خواهان «وال استریت» نامیده می‌شوند، از یک سو و جوامع روستایی ساکن شهرهای کوچک غرب میانه و ایالت‌های مرکزی که به اصطلاح محافظه کاران «مین استریت» نامیده می‌شوند، از سوی دیگر، وجود دارد. تجسم عینی «جمهوری خواهان وال استریتی» دوایت آیزنهاور و «نلسن راکفلر» هستند که اساساً میانه رو و هوادار جلب رضایت همگان بودند. این جناح با اجرای برنامه‌های رفاهی موافقت می‌کرد، در مسائل اجتماعی اهل تسامح و در سیاست خارجی انترناسیونالیست بود و در درون آمریکا هم سیاست اقتصادی «کینز» مآبانه و احتیاط آمیزی به مورد اجرا می‌گذاشت. این جناح در میان سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۶ م افرادی از جناح خود را به عنوان نامزدهای ریاست جمهوری معرفی کرد و در نتیجه به «جناح ریاست جمهوری» حزب جمهوری خواه معروف شد.

جمهوری خواهان «مین استریت» در فلسفه خود، بسیار سنتی‌تر از جناح وال استریت هستند. آنها به باورهای خود مبنی بر عدم مداخله دولت در فعالیت‌های بخش خصوصی به شدت پایبند هستند و برای دولت تنها نقش کوچکی در مسائل اقتصادی قائل می‌باشند. از نظر اجتماعی، به خانواده و شعائر پروتستانی اهمیت فراوانی می‌دهند و در سیاست خارجی هوادار قاطعیت و برخوردهای محکم هستند. جناح مین استریت با انتخاب رونالد ریگان به ریاست جمهوری در انتخابات ۱۹۸۰، به جناح ریاست جمهوری در درون حزب جمهوری خواه تبدیل شد.

حزب جمهوری خواه به یاری تغییرات اقتصادی و اجتماعی، از جمله رشد حومه‌های شهری و قشر کارمندان، افزایش امکانات مادی و تحرک عمودی و جوامع قدیمی ایرلندی و ایتالیایی، توانسته است موفقیت خود را به عنوان یک حزب کار آمد ملی تثبیت کند. این حزب توانسته است ظرف پنجاه سال گذشته، از شانزده دوره ریاست جمهوری در فاصله سالهای ۲۰۰۴-۱۹۵۳ م در ۱۰ دوره آن، مقام ریاست جمهوری را به خود اختصاص دهد (حمیدی نیا، ۱۳۸۱، ۵۲۳). تاریخ سیاسی آمریکا نشان می‌دهد از آغاز سده بیستم میلادی تا به امروز (۲۰۰۷) حزب جمهوری خواه، سال‌ها یا دوره‌های انتخاباتی بیشتری از حزب رقیبش یعنی حزب دموکرات بر سر قدرت بوده است و دلیل موفقیت آنها را بی‌گمان باید در پشتیبانی گروه‌ها و طبقات اجتماعی محافظه کار مانند کلیسا، سرمایه‌داران و کارخانه داران بزرگ و کوچک حزب جمهوری خواه در آمریکا دانست (ابوالحمد، ۱۳۸۰، ۴۶۰).

هر یک از حزب‌های دموکرات و جمهوری خواه توانسته است، پشتیبانی برخی از



گروه‌های منطقه‌ای، قومی، نژادی و طبقاتی را جلب کند. مطالعات گسترده و نتایج انتخابات نشان داده است که دموکراتها معمولاً بخش بزرگ آراء کم درآمدها، سیاهپوستان، کاتولیکها، اسپانیایی تبارها، یهودیان، کارگران فاقد اتحادیه‌های ثابت، اهالی جنوب و ساکنان شهرهای بزرگ را از آن خود کرده‌اند. از سوی دیگر، جمهوری خواهان از پشتیبانی ثروتمندان، پروتستان‌های ساکن روستا، شهرهای کوچک، اهالی غرب میانه و کرانه اقیانوس آرام برخوردارند. چنین ناحیه بندی هایی، نشان دهنده آن است که هر حزب تقریباً نیمی از آمریکا را تحت تسلط خود دارد.

## ب- جناح بندی داخلی

### ۱- محافظه کاران سنتی

این جناح از اصول ثابت و پایدار محافظه کاری نظیر دولت کوچک و مالیات کمتر جانبداری می‌کند. از چهره‌های شاخص این جناح، جورج دبلیو بوش رئیس جمهور کنونی، دنیس هاسترت نماینده مجلس نمایندگان و سناتور بیل فریست هستند که کلوب ثروت عمده‌ترین شکل سیاسی این جناح شناخته می‌شوند. اگر چه محافظه کاران نوین به طور رسمی در قالب جناح محافظه کاران سنتی قرار نمی‌گیرند، اما روابط نزدیکی با این جناح و جناح مسیحیان راست‌گرا دارند.

### ۲- مسیحیان راست‌گرا

از این گروه تحت عنوان بنیادگرایان مسیحی نیز یاد می‌شود و روابط نزدیکی با محافظه کاران نوین دارند. مسیحیان راست‌گرا خواهان تقویت نهادهای مذهبی و حمایت‌های مالی دولت فدرال از کلیساها و موسسات مذهبی هستند. مخالفت با همجنس بازی، سقط جنین و تحقیقات سلول‌های جنینی از جمله اهداف اصلی این جناح به شمار می‌آید. ایالت‌های جنوبی مرسوم به کمربند انجیلی پایگاه اصلی و دژ قدرتمند مسیحیان راست‌گرا به شمار می‌آیند. این جناح روابط بسیار نزدیکی با محافل یهودی در داخل و خارج از آمریکا دارد و به همین دلیل از آنان به عنوان مسیحیان صهیونی یاد می‌شود. هر چند که کلیه هواداران بنیادگرایی مسیحی از نگرش‌های جنگ آخرالزمانی پیروی نمی‌کنند. اما برخی از مسیحیان راست‌گرا از جمله مخالفین جدی یهودیان هستند و برخی دیگر شرط ظهور حضرت مسیح<sup>(ع)</sup> را نابودی مسجدالاقصی و احداث معبد یهودیان در بیت‌المقدس می‌دانند. سناتور سابق ترنت لات و جان اشکرافت وزیر دادگستری در دولت اول جورج دبلیو بوش از شاخص‌ترین چهره‌های مسیحیان راست‌گرا هستند. ائتلاف مسیحی به رهبری

پت رابرتسون و فدراسیون ملی انجمن جمهوری خواهان بزرگ‌ترین سازمان‌های سیاسی این جناح محسوب می‌شوند (<http://fa.wikipedia.org/wiki>).

### ۳- جناح میانه

این جناح به میانه روهای نیکسون- راکفلر معروف هستند. میانه روها در دهه های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ م گرایش غالب حزب جمهوری خواهان را شکل می‌دادند. این گروه متأثر از تحولات اجتماعی دوران زمامداری جان کندی و لیندون بنیز جانسون، تلاش کردند میان اصول ثابت محافظه کاری و لیبرالیسم اجتماعی نقطه مشترکی ایجاد نمایند. در عرصه سیاست خارجی، میانه روهای حزب جمهوری خواه به ایفای نقش فعال تر در نظام بین الملل معتقد هستند. علاوه بر چهره‌هایی نظیر نیکسون، راکفلر و کیسینجر که هر یک در دهه ۱۹۷۰ م از نقش تاثیرگذاری بر حزب برخوردار بودند، جورج هربرت واکر بوش را نیز می‌توان در این جناح قرار داد. کالین پاول وزیر امور خارجه در دولت اول بوش و جورج پاتاکی فرماندار سابق نیویورک شاخص‌ترین شخصیت‌های کنونی جناح میانه رو حزب هستند. جمهوری خواهان مین استریت و شورای رهبری جمهوری خواهان به عنوان عمده‌ترین سازمان‌های سیاسی این جناح محسوب می‌شوند.

### ۳- جناح لیبرال‌ها

این جناح بیش از آنکه به بدنه اصلی حزب جمهوری خواه و یا نگرش غالب محافظه‌کاران نوین نزدیک باشد، از مشی سیاسی-اجتماعی حزب دموکرات پیروی می‌کند. لیبرال‌ها خود را بزرگترین و اصلی‌ترین جریان فکری حزب جمهوری خواه می‌دانند اما بعضاً در مورد نفوذ خود به ویژه در دوران پس از حوادث ۱۱ سپتامبر بزرگ نمایی می‌کنند. رهبران این جناح در عرصه سیاست داخلی از ایفای نقش بیشتر دولت برای حل مشکلات اجتماعی، خدمات بهداشتی و بیمه‌های بیکاری حمایت می‌کنند و طرفدار توازن بودجه دولت فدرال هستند. آنان همچنین کمتر از محافظه‌کاران سنتی و یا مسیحیان راست‌گرا با موضوعاتی نظیر همجنس‌گرایی و سقط جنین مخالفت می‌ورزند. انجمن حزبی «جمهوری خواهان آزادی»، این جناح را نمایندگی می‌کند (<http://fa.wikipedia.org/wiki>).

### ج- احزاب اقلیت

حزب‌های اقلیت چنان که از نام آن پیداست برای پاسداری منافع همه مردم و ملت بنیان نگرفته‌اند بلکه هدفشان دفاع از منافع برخی از اقلیت‌ها است. این احزاب ممکن است برای پاسداری منافع اقلیت‌های ملی، مذهبی، حرف‌های و طبقاتی به وجود آمده باشند



(ابوالحمد، ۱۳۸۰، ۴۲۵). با وجود اینکه بنیانگذاران و تدوین کنندگان قانون اساسی ایالات متحده خواهان یک دموکراسی بدون رقابت حزبی و گروه‌های سیاسی بودند و این نظر خود را در تدوین قانون اساسی اعمال کردند، اما افزایش جمعیت و وسعت گوناگونی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و تفاوت‌های مکانی و ایدئولوژیک موجب پیدایش حزب‌های سیاسی در آمریکا شد.

اگر هر معنایی برای مفهوم دموکراسی قائل باشیم عنصر بنیادی و مورد توافق همگان همانا اصل اکثریت یا نصف به علاوه یک است. اما در سیستم انتخاباتی آمریکا، رئیس جمهور الزاما بر مبنای اکثریت آراء یا نصف به علاوه یک به کاخ سفید راه پیدا نمی‌کند، و در برخی موارد، حائز اکثریت آراء، در پشت درهای بسته کاخ سفید باقی می‌ماند (طباطبائی، ۱۳۸۴، ۱۱۰). زیرا سیستم پیچیده انتخاباتی - حزبی آمریکایی به گونه‌های طرح ریزی شده که اولویت با آرای هیأت انتخاباتی است، لذا در این حالت تشکیل «هیأت‌های انتخاباتی» مانعی دیگر بر سر راه نامزد منفرد یا احزاب کوچک بوده که در نتیجه حتی قادر به اکتساب یک «کارت انتخاباتی» در سرتا سر ایالات متحده نیز نخواهند بود (طباطبائی، ۱۳۸۳، ۶۷). نظام انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بر اساس قانون اساسی این کشور و بر اساس آرای عمومی شکل نگرفته بلکه «هیأت‌های انتخاباتی» است که با کسب ۲۷۰ رأی آن، کاندیدای ریاست جمهوری هر یک از دو حزب غالب می‌توانند در انتخابات پیروز گردند. کسب ۲۷۰ رأی «هیأت‌های انتخاباتی» برای کاندیداهای احزاب سوم غیر ممکن است، چرا که قوانین و مقررات فعلی التزام «هیأت‌های انتخاباتی» به نظریات حزب جمهوری خواه و دموکرات را الزامی و در بسیاری از ایالات مختلف آن را قابل مجازات می‌داند. از این روست که احتمال کسب ۲۷۰ رأی «هیأت‌های انتخاباتی» برای کاندیدای مستقل دیگر جهت پیروزی در انتخاب محتمل به نظر نمی‌رسد، ولی تأثیر غیر مستقیم این کاندیدها غیر قابل انکار است (حسینی[الف]، ۱۳۸۳، ۱۵۲). دلیل اینکه آمریکا نیها این روش را برای انتخاب رئیس جمهور انتخاب کردند این بود که عقیده داشتند آنها که برای وضع قوانین عادی وضع شده‌اند، نمی‌توانند در انتخاب رئیس قوه مجریه نماینده و مظهر خواست مردم باشند. به اضافه آنکه چون نمایندگان قوه مقننه برای مدتی بیش از یک سال انتخاب شده‌اند، در خلال این مدت چه بسا نظریات عمومی تغییر کرده باشد و اصولا نمایندگان افکار و نظریاتی داشته باشند که دیگر مورد پسند و موافق با زمان و افکار عمومی نیست. همچنین بدین مسأله توجه نمودند که اگر اختیار تعیین ریاست قوه مجریه به قوه مقننه واگذار گردد، اعضای قوه مقننه حتی از مدتی پیش از انتخابات ممکن



است، وسیله زد و بندهای مخرب و تحریکات گردند و بهتر و پسندیده‌تر آن است که هیئت انتخاب کننده رئیس جمهور تا روز عمل و اقدام، چنان که در مورد هیئت منصفه عمل می‌گردد، در میان توده مردم ناشناس مانده و هنگامی در روی صحنه حاضر شوند که باید نظر خود را اعلام نمایند (دوتوکویل، ۱۳۸۳، ۱۶۴).

لذا ترکیب سیستم حزبی با نظام انتخاباتی مبتنی بر آراء الکترال موجب شده است، رقابت‌های سیاسی در آمریکا با محوریت دو حزب انجام شود و مجالی برای خودنمایی احزاب اقلیت باقی نماند. اگر چه احزاب اقلیت، تا کنون در هیچ انتخابات ریاست جمهوری موفق به کسب اکثریت آراء نشده‌اند و با این که نتوانسته‌اند به صورت نیرویی منسجم در کنگره ظاهر شوند اما در سطح ایالتی به موفقیت‌هایی دست یافته‌اند. این احزاب اگر بتوانند در انتخابات حد اقل ۵ درصد و حد اکثر ۲۵ درصد از آراء را به خود اختصاص دهند، می‌توانند از کمک‌های دولت استفاده کنند، همچنین احزاب جدیدالتأسیس نیز می‌توانند از این کمک‌ها استفاده کنند. کمیسیون انتخاباتی آمریکا در سال ۱۹۹۶، احزاب لیبرال، قانون طبیعت و مالیات دهندگان را در زمره احزابی قرار داد که می‌توانستند از کمک‌های دولت استفاده نمایند (حسینی، ۱۳۸۳، ۹۸).

برخی از این احزاب سالها در صحنه رقابت سیاسی باقی مانده‌اند و برخی نیز پس از مدت کوتاهی انسجام خود را از دست داده و از صحنه خارج شده‌اند. به طور کلی می‌توان احزاب اقلیت را به چهار دسته تقسیم کرد:

**۱- حزب‌های جامع و پایدار:** برخی از احزاب اقلیت به لحاظ سازماندهی و کارکرد به احزاب اکثریت شباهت دارند. این حزبها، نامزدهایی را در انتخابات مجلس سنا، نمایندگان، ریاست جمهوری و انتخابات ایالتها، شامل فرماندار و مجالس ایالتی، تعیین می‌کنند.

از جمله احزاب اقلیت که در چنین چارچوبی قرار می‌گرفت، می‌توان از احزاب «هیچ نمی‌دانم» (Know nothing party) و «پاپولیست» (Populist party) نام برد. حزب «هیچ نمی‌دانم» از تجزیه حزب «ویگز» (Whigs party) در اوایل دهه ۱۸۵۰ میلادی پدید آمد.

**۲- احزاب نامزدگرا:** در تاریخ سیاسی آمریکا بسیاری از احزاب اقلیت با محور قرار دادن نامزدهای انتخاباتی، فعالیت کرده‌اند. این احزاب با نامزد کردن افرادی که دارای ویژگی‌های شخصی، اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی منحصر به فرد هستند، سعی می‌کنند نظرها را به سوی خود جلب کنند. حزب «پیشرو» که در اوایل قرن بیستم با





انشعاب از حزب جمهوری خواه پدید آمد، یک حزب نامزد محور بود. مؤسس این حزب، یکی از محبوب‌ترین رئیس‌جمهورهای عضو حزب جمهوری خواه، تئودور روزولت بود. یکی دیگر از حزب‌های نامزد محور که در دهه ۱۹۹۰ پدید آمد، حزب «اصلاح‌گرای نوین» به رهبری «راس پروت» نامزد ریاست جمهوری در سال ۱۹۹۲ بود. پروت که یک بازرگان ثروتمند خود ساخته بود، ۶۰ میلیون دلار هزینه حزب اصلاح‌گرا نمود و بدین ترتیب یک نامزد مستقل، یک حزب با محوریت خود تأسیس کرد (خداوردی، ۱۳۸۳، ۳۵).

**۳- حزب‌های یک موضوعی:** برخی از حزب‌های اقلیت، در پی اهداف ویژه و پیگیر موضوع‌های خاص هستند. این حزبها از انتخابات به عنوان وسیله‌ای برای مطرح نمودن خود استفاده می‌کنند.

«حزب سبز» که متشکل از هواداران محیط زیست است را می‌توان جزو حزب‌های یک موضوعی به شمار آورد. این حزب در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ فعالیت خود را گسترش داد و اهداف آن بیشتر شامل بازیافت مواد، اقتصاد محیط زیست، زباله‌های سمی و حفاظت از طبیعت بوده است. غیر از محیط زیست، آنها در پی عدالت اجتماعی، مسائل اصلاح‌گرایانه در زمینه‌های سیاسی و بین‌المللی هستند. حزب سبز در سطح ایالتی به موفقیت‌های خوبی دست یافت و در انتخابات مجالس ایالتی در سال ۱۹۹۴، ۲۹ نامزد این حزب به مجالس ایالتی راه یافتند. در جریان انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۰، «رالف نیدر» (Ralph Nader) نامزد حزب سبز توانست علاوه بر مطرح نمودن خود، حزب سبز را بیش از پیش به مردم آمریکا بشناساند. نیرومندترین شاخه حزب سبز، در ناحیه کالیفرنیا فعالیت دارد و دارای پایگاه مستحکمی در میان مردم آن ناحیه می‌باشد. یکی از عوامل نزدیکی بیش از حد آراء نامزدهای حزب‌های دموکرات و جمهوری خواه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰. م حضور رالف نیدر و جلب نزدیک به ۳ میلیون رأی به سود خود بود (حمیدی نیا، ۱۳۸۱، ۵۲۵).

**۴- حزب‌های ائتلافی:** این حزبها دنباله رو روشها و برنامه‌های حزب‌های اکثریت و گاهی برخی از حزب‌های اقلیت همتای خود هستند و به طور فعال از نامزدها و برنامه‌های حزب‌های دیگر پشتیبانی می‌کنند.

مشخصه حزب‌های ائتلافی ارائه فعالیت‌های با نام «تأثیر متصلب»<sup>۱</sup> می‌باشد که به

<sup>۱</sup> - Cross Endorsement

نامزدها این امکان را می‌دهد که در لیست بیش از یک حزب قرار بگیرند. برای نمونه، ویلیام جنینگز بریان<sup>۱</sup> در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۸۹۶ م، از سوی دو حزب دموکرات و پایپولیت به عنوان نامزد مشترک معرفی شد (خداوردی، ۱۳۸۳، ۳۷).

بطور کلی در کشورهایی مثل آمریکا که دارای نظام دوحزبی هستند، احزاب سوم در رقابت‌های انتخاباتی گهگاه و بسیار به ندرت برنده می‌شوند، اما حضور احزاب سوم در این کشورها هشدار می‌دهد که دو حزب بزرگتر مبنی بر آنکه چندان هم به موقعیت خود خوشبین نباشند، زیرا هر لحظه ممکن است در نتیجه سیاست‌های غلط و نادرست، توده‌های رأی‌دهنده از آنها روی برگردانده و به حزب سوم رأی دهند (نوذی، ۱۳۸۱، ۹۳). لذا علی‌رغم اینکه از احزاب سیاسی کوچک به ندرت رهبرانی در مناصب عمومی انتخاب می‌شوند، اما آنها نقش مفیدی در روند سیاسی آمریکا دارند. معمولاً احزاب سیاسی کوچک موضوعاتی را مطرح می‌کنند که دو حزب بزرگ و اصلی آن‌ها را نادیده گرفته‌اند. یک حزب کوچک می‌تواند به مردم درباره چنین موضوع‌هایی آگاهی و آموزش بدهد و به آنها کمک کند تا در مورد آن موضوع خواستار اقدامات لازم بشوند، برای مثال در سال‌های دهه ۱۹۹۰ م «حزب اصلاحات» زمین‌های ایجاد کرد تا میلیون‌ها آمریکایی بتوانند نارضایتی خود را در مورد قوانین مالی انتخابات که به افراد و سازمان‌های متمول اجازه می‌داد تا میلیون‌ها دلار را به طور مستقیم و غیر مستقیم به کاندیداهای سیاسی کمک کنند، نشان دهند. بسیاری از آمریکایی‌ها با هر عقیده سیاسی با این نکته موافقت می‌کنند که چنین مشارکت‌هایی ممکن است به تأثیر نامتناسب این افراد و شرکت‌ها بر روند قانونگذاری منجر شود (وب، ۱۳۸۳، ۹۷).

### بخش سوم: دموکرات‌ها و جمهوری خواهان؛ دو روی یک سکه

با توجه به رقابت دو حزب جمهوری خواه و دموکرات در آمریکا برای کسب پست ریاست جمهوری، در ظاهر این طور به نظر می‌رسد که دو حزب مذکور اختلافات عمده‌ای با یکدیگر دارند و در صورت راهیابی نامزد هر یک از این احزاب به کاخ سفید، سیاست‌های داخلی و خارجی متفاوتی را در آمریکا شاهد خواهیم بود. در ابتدا هر فردی از لایه‌های انبوهی از اخبار مربوط به انتخابات آمریکا که اتفاقاً رسانه‌ها نیز به آن بال و پر می‌دهند و



<sup>1</sup> - William Jennings Bryan



به جدی بودنش می‌افزایند، تنها به یک چیز می‌رسد، یا برایش تنها یک پدیده ملموس‌تر است: دعوی جمهوری خواهان و دموکرات‌ها.

در چنین منظوم‌های انگشت گذاشتن بر تفاوت‌ها میان این دو حزب و در مرحله بعدی سرمایه‌گذاری بر این تفاوت‌ها نیز طبیعی خواهد بود. جمهوری خواهان بخشش مالیاتی سرمایه‌داران را می‌خواهند، در حالی که دموکرات‌ها شعار مالیات برای همه سر می‌دهند.

یا در حوزه خارجی، جمهوری خواهان بر رویکرد سخت‌افزاری تکیه دارند و دموکرات‌ها طرفدار رویکرد نرم‌افزاری هستند. لابد نتیجه‌گیری منطقی از این تفاوت‌ها نیز آن خواهد بود که دموکرات‌ها بهتر از جمهوری خواهان اند، چرا که به هر حال در حوزه داخلی طرفدار آزادی و عدالت و در خارج طرفدار رویکردهای چندجانبه‌گرا هستند (خسرو شاهی، ۱۳۸۵، ۱).

بنابراین یکی می‌شود شیر و دیگری هم نقش یک حیوان نجیب را بازی می‌کند. اما به نظر می‌رسد باید جور دیگری به مسائل نگاه کرد تا بازگو کننده یک واقعیت سیاسی در کشوری به نام ایالات متحده آمریکا باشد. الکسی دوتوکویل در کتاب احزاب در ایالات متحده آمریکا می‌گوید شعار احزاب در آمریکا درست مانند همان دست خط‌هایی است که پدران ما از سلاطین دریافت می‌نمودند و در صفحه اول اثر خود، آن را طبع و جزو کتاب قلمداد می‌کردند ولی هیچ‌گونه ارتباطی با متن کتاب نداشت (دوتوکویل، ۱۳۸۳، ۲۳۳).

شاید احساس افکار عمومی دنیا این باشد که خلق و خوی تهاجمی و جنگ طلبی دموکرات‌ها کمتر از جمهوری خواهان است و این که اوضاع به هنگام تصدی دموکرات‌ها در آمریکا معمولاً آرامتر از زمانی است که جمهوری خواهان کاخ سفید را اشغال کرده‌اند، اما نباید از نظر دور داشت که قطع نظر از اینکه رئیس جمهور آمریکا از چه حزبی بوده، جهان هرگز از شر تجاوزات، توطئه‌ها و قلدری‌های آمریکا در امان نبوده است. اتفاقاً جنگ‌هایی که آمریکای دموکرات آغاز کرده و یا ملت خود را به آن انداخته (مثل جنگ جهانی دوم، جنگ ویتنام و جنگ کره) بسیار طولانی‌تر از جنگ‌های آمریکای جمهوری خواه بوده است. اگر رؤسای جمهور جمهوری خواه آمریکا دیوانه بالا بردن هزینه نظامی و افزایش توان ارتش این کشور بوده‌اند، رؤسای جمهور دموکرات آمریکا هم همان اندازه از دیوانگی، به استفاده از این توان علیه دیگر کشورها اشتیاق نشان داده‌اند.

در واقع فرقی ندارد که کاندیدای حزب دموکرات رئیس جمهور شود یا کاندیدای حزب جمهوری خواه، مهم این است که هر دو در خدمت سرمایه داری‌اند (میلز، ۱۳۸۳، ۱۸). دموکرات‌ها و جمهوری خواهان در اصل دو روی یک سکه هستند. هر دو حزب طرفدار طبقه سرمایه داری هستند و با اندکی اختلاف در تاکتیک، از یک استراتژی کلی و واحد



برای تحکیم سلطه آمریکا در جهان پیروی می‌کنند.

دوحزب اصلی آمریکا آنگاه که پای منافع استکباری آمریکا در جهان مطرح است از اصولی ثابت پیروی کرده و دیدگاه‌های یکسانی دارند. به عنوان مثال هر دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات در استراتژی سیاست خارجی خود مسائلی از قبیل: تسلط بر نفت خاورمیانه، جنگ طلبی، برخورد دوگانه با مسائل تروریسم و حقوق بشر، صهیونیسم محوری و کودتا و براندازی نظام‌های ناهمساز را به طور مستمر پی‌گیری کرده‌اند و از سیاست‌های ثابت هر دو حزب مذکور بوده است (خداوردی، ۱۳۸۳، ۴۵-۴۳).

### نتیجه

با توجه به مطالبی که در بالا آمد مشخص شد که به رغم حضور احزاب متعدد در جامعه آمریکا، تنها دوحزب جمهوری‌خواه و دموکرات صحنه‌گردان سیاست‌های داخلی و خارجی آمریکا می‌باشند. لذا علی‌رغم تعدد افکار و احزاب، تنها این دو حزب، قدرت سیاسی را در دست داشته‌اند. هر چند این دو حزب شعارهای متفاوتی نسبت به هم، در ایام انتخابات سر می‌دهند و ظاهراً نظرات متفاوتی با یکدیگر دارند، در عمل شاهد اتخاذ سیاست‌های مشترک و یکسان از این دو حزب هستیم. در شعارهای انتخاباتی جمهوری‌خواهان بخشش مالیاتی سرمایه‌داران را می‌خواهند، در حالی که دموکرات‌ها شعار مالیات برای همه سر می‌دهند. یا در حوزه خارجی، جمهوری‌خواهان بر رویکرد سخت‌افزاری تکیه دارند و دموکرات‌ها طرفدار رویکرد نرم‌افزاری هستند. اما در واقع فرقی ندارد که کاندیدای حزب دموکرات رئیس‌جمهور شود یا کاندیدای حزب جمهوری‌خواه، مهم این است که هر دو در خدمت سرمایه‌داری اند. دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در اصل دو روی یک سکه هستند. هر دو حزب طرفدار طبقه سرمایه‌داری هستند و با اندک اختلاف در تاکتیک، از یک استراتژی کلی و واحد برای تحکیم سلطه آمریکا در جهان پیروی می‌کنند.

### منابع

- ابوالحمد، عبد الحمید، **مبانی سیاست**، تهران: انتشارات توس، ۱۳۸۰.
- ابوالفتح، امیر علی، **برآورد استراتژیک ایالات متحده آمریکا**، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، جلد اول ۱۳۸۲.
- آل مذکور. ع، **تاریخ مختصر آمریکا**، تهران: اداره اطلاعات آمریکا، ۱۳۵۵.
- حسینی[الف]، حسن. احزاب سوم در انتخابات سراسری، ایالتی و محلی در ایالات متحده آمریکا،



- عوامل، موانع و راهبردها، کتاب آمریکا (۵) ویژه نظام انتخاباتی آمریکا، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، ص ۱۶۵-۱۴۱، ۱۳۸۳.
- حسینی، سید جمال، نظام حمایت مالی از نامزدهای ریاست جمهوری در انتخابات آمریکا، کتاب آمریکا (۵) ویژه نظام انتخاباتی آمریکا، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، ص ۱۰۶-۹۳، ۱۳۸۳.
- حمیدی نیا، حسین، ایالات متحده آمریکا، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱.
- خسرو شاهی، هادی، نقش احزاب و نخبگان سیاسی در آمریکا، ۲۷ دی ۱۳۸۵.
- خداوردی، علی، دمکرات و جمهوری خواه؛ دو روی یک سکه، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، ۱۳۸۳.
- داری شر، یان، تحولات سیاسی در ایالات متحده آمریکا، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
- دوتوکویل، الکسی، تحلیل دموکراسی در آمریکا، ترجمه رحمت الله مقدم مراغه ای، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۳.
- طباطبائی، سید محمد، فرایند نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، کتاب آمریکا (۵) ویژه نظام انتخاباتی آمریکا، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، ص ۹۲-۶۳، ۱۳۸۳.
- طباطبائی، سید محمد، کالبد شکافی نظام انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۲-۱۶۱، ۱۳۸۴.
- عالم، عبد الرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.
- میلز، سی رایت، جامعه شناسی آمریکایی، روزنامه شرق، ۱۳۸۳/۶/۷.
- نودری، حسینعلی، احزاب سیاسی و نظام های حزبی، تهران: نشر گستره، ۱۳۸۱.
- وب، مارکوس، ایالات متحده آمریکا، ترجمه فاطمه شاداب، تهران: ققنوس، ۱۳۸۳.
- ویکی پدیا، (بخش احزاب آمریکا)، ۸۶/۴/۳.
- <http://fa.wikipedia.org/wiki>.
- Roskin, Michael (1998). **Political science: An Introduction**, New Jersey: prentice Hall.
- [www.hamshahri.Net](http://www.hamshahri.Net)